

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

خلاصه جلسه گذشته

در بررسی آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ»، روشن شد که تفسیر آن به صرف مذمت کسانی که نماز جمعه را رها کرده و به لهو یا تجارت می‌پردازند، بسیار بعید و دشوار است و آیه در مقام بیان دو مطلب است:

1. اصل وجوب نماز جمعه: آیه دلالت بر اصل وجوب صلاة جمعه دارد. مرحوم آیت‌الله بروجردی معتقدند که وجوب نماز جمعه پیش‌تر تشریع شده و پیامبر اکرم (ص) آن را اقامه فرموده بودند؛ بنابراین، آیه صرفاً در مقام نکوهش کسانی است که خطبه‌ها را ترک کرده و به امور دیگر پرداخته‌اند.[1] با این حال، این نظر مانع دلالت آیه بر وجوب نماز جمعه نمی‌شود؛ زیرا در صدر اسلام موارد متعددی رخ داده که خداوند متعال حکم وجوب را مکرراً مورد تأکید قرار داده است. از این رو، این آیه علاوه بر مذمت، ناظر به تشریع و تأکید بر وجوب نیز هست.

2. مذمت تارک نماز جمعه: آیه کسانی را نکوهش می‌کند که با آغاز نماز جمعه، آن را رها کرده و به لهو یا تجارت می‌پردازند. بنابراین، آیه دربردارنده هر دو جهت وجوب و توبیخ است.

در جلسات گذشته این بحث مطرح شد که آیا مراد از «إِذَا نُودِيَ» همان «إِذَا أُقِيمَت» است یا خیر. برخی از بزرگان همچون مرحوم بروجردی و مرحوم خویی بر این باورند که مقصود، اقامه نماز جمعه با شرایط آن است. اما باید توجه داشت که تعبیر «إِذَا نُودِيَ» با تعبیری نظیر «إِذَا دَخَلَ» (مانند «إِذَا دَخَلَ الْوَقْتُ») تفاوت دارد و ظهور آن در اصل وجوب نماز جمعه است، همچنین تصریح شد که امر «فَاسْعَوْا» دلالت بر وجوب سعی و تلاش برای حضور در نماز جمعه دارد و این وجوب، تأکیدی فراتر از نمازهای دیگر بر حضور مؤمنان در این فریضه است.

عدم شمول اطلاق نسبت به زمان غیبت

یکی دیگر از مسائل این است که آیا اطلاق آیه نسبت به زمان غیبت شامل می‌شود. برخی بزرگان مانند مرحوم آیت‌الله بروجردی و مرحوم آیت‌الله خوئی معتقدند که آیه در مقام تشریع نیست. اگر آیه در مقام تشریع نباشد، مجال برای اطلاق وجود ندارد. نظر ما بر آن است که آیه در مقام تشریع است، هرچند تصریح به زمان حضور یا غیبت ندارد. برای روشن شدن، می‌توان تعبیر «أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ» را مثال آورد؛ این عبارت اصل حلیت بیع را بیان می‌کند اما شامل خصوصیات جزئی بیع نمی‌شود. به همان منوال، آیه «إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ» اصل وجوب نماز جمعه را بیان می‌کند اما شامل هر خصوصیتی از جمله زمان غیبت نمی‌شود مگر اینکه دلالت صریح یا دلیل نقلی بعدی وجود داشته باشد. برخی دیگر، مانند مرحوم کاظمی در مسالک الأفهام، دلالت تشریعی و اطلاق آیه را پذیرفته و بر این اساس می‌گویند وجوب نماز جمعه شامل زمان غیبت نیز می‌شود.[2] از سوی دیگر، ممکن است روایات لاحق اثبات کنند که اقامه صلاة الجمعة مخصوص امام معصوم است و در زمان غیبت وجوب آن معنای دیگری پیدا کند. بنابراین مراحل استدلال به ترتیب چنین است.

1. آیه بر اصل وجوب نماز جمعه دلالت می‌کند.
2. آیه اطلاق دارد؛ بنابراین وجوب نماز جمعه شامل زمان‌های حضور و غیبت می‌شود.
3. روایات بعدی ممکن است اثبات کنند که اقامه نماز جمعه مخصوص امام معصوم است و در زمان غیبت تکلیف و معنای وجوب متفاوت تبیین شود.

به جهت پاسخ به مسأله، این مراحل باید مرحله به مرحله بررسی شوند؛ هدف فعلی ما نیز پاسخ به این پرسش است که آیا آیه بر اصل وجوب نماز جمعه دلالت می‌کند که پاسخ مثبت است. آیه دو مطلب را هم‌زمان بیان می‌کند؛ اول اصل وجوب صلاة الجمعة و دوم مذمت کسانی که نماز جمعه را رها می‌کنند.

### دلالت روایات بر اصل وجوب نماز جمعه

از منظر روایات، اصل وجوب نماز جمعه تأیید شده است. در الکافی کلینی، روایاتی نقل شده که دلالت آیه را بر وجوب نماز جمعه اثبات می‌کنند، خواه در زمان حضور و یا در زمان غیبت امام (علیه‌السلام) باشد.

در جلد سوم الکافی روایتی با سند علی بن محمد کلینی، محمد بن الحسن طائی، سهل بن زیاد و مفضل بن صالح از امام باقر (ع) نقل شده است. راوی می‌گوید از امام درباره آیه «فَاسْعُوا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ» پرسیدم و حضرت پاسخ فرمودند: «اعملوا و عجلوا». می‌توان این تعبیر «اعملوا» را حمل بر معنای «فاسعوا» دانست، به این معنا که امر آیه دلالت بر وجوب اقامه نماز جمعه دارد.

افزون بر این، در همان روایت آمده است که روز جمعه «یوم مضیق» است و اعمال مسلمانان در آن چند برابر محاسبه می‌شود؛ «و ثواب اعمال المسلمين فيه على قدر ما ضيق عليهم والحسنة والسيئة تضاعف فيه» [3]. این نکته بیانگر آن است که حسنه و سیئه در روز جمعه مضاعف می‌شود و اهمیت ویژه نماز جمعه را آشکار می‌سازد.

همچنین، زمان اقامه نماز جمعه محدود است و اگر این وقت سپری شود، مکلف موظف به خواندن نماز ظهر خواهد بود و دیگر امکان اقامه نماز جمعه وجود نخواهد داشت. بنابراین، تعیین وقت خاص برای نماز جمعه از ویژگی‌های این فریضه به شمار می‌آید.

### مقتضای خطاب به مؤمنان در آیه

از آنجا که آیه مورد بحث از آیات قرآنی است، بررسی دقیق‌تری لازم دارد. هرچند گاه فقها متهم می‌شوند که به قرآن توجهی ندارند، اما نکات فقهی مربوط به این آیه در متون فقهی مطرح شده و در بسیاری از تفاسیر کمتر به چشم می‌خورد.

صاحب حدائق و مرحوم مجلسی بر این باورند که آیه بر وجوب نماز جمعه دلالت دارد و در مقام تشریع این وجوب است. صاحب حدائق در جلد نهم حدائق می‌فرماید:

«المستفاد من الآية المذكورة: الامر بالسعي الى صلاة الجمعة لكل واحد من المؤمنين متى تحقق الاذان لها او دخول وقت و حيث ان الاصل عدم التقييد بشرط يلزم عموم الوجوب بالنسبة الى زمان الغيبة والحضور» [4]

بر اساس این بیان، وجوب تلاش برای اقامه نماز جمعه بر هر یک از مؤمنان ثابت است، هنگامی که اذان آن اعلام شود یا وقت آن فرا رسد. از این عبارات دو نکته به دست می‌آید:

1. آیه بر اصل وجوب نماز جمعه دلالت دارد.

2. این وجوب همگانی است و شامل همه مؤمنان می‌شود، همان‌گونه که خطاب «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» بر آن دلالت دارد.

ذکر «إِذَا نُودِيَ» در آیه، صرفاً زمان تحقق تکلیف را مشخص می‌سازد و وجوب را به همان زمان محدود نمی‌کند، بلکه اصل وجوب نسبت به همه مؤمنان ثابت است، چه در زمان حضور امام باشد و چه در زمان غیبت. [5]

در این زمینه، مبنای امام خمینی (رضوان‌الله‌تعالی‌علیه) در باب «خطابات قانونی» نیز بسیار راهگشاست. خطاب «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» ناظر به شرافت مؤمنان است، اما این نکته به معنای آن نیست که حکم اختصاص به مؤمنان حاضر در زمان نزول دارد. این خطاب، قانونی است و شامل همه مکلفان می‌شود، چه در عصر نزول حضور داشته باشند و چه در اعصار بعدی، مانند ما که در زمان نزول حضور نداشتیم. نظریه خطابات قانونی امام، تحولی بنیادین در فقه و اصول پدید آورده و آثار مهمی دارد که هنوز آن‌گونه که شایسته است مورد توجه قرار نگرفته است.

### اشکال به دلالت «إِذَا» بر عموم

در ادبیات عرب، واژه «إِذَا» دلالت بر عموم ندارد و در اصل لفظی مهمل و مبهم به شمار می‌آید. بر این اساس، اگر یک بار متعلق آن تحقق یابد، امثال محقق می‌شود. از این رو، اشکال چنین بیان می‌شود که از آیه نمی‌توان وجوب سعی برای هر نداء را استفاده کرد، بلکه تحقق آن در یک مورد کفایت می‌کند.

این اشکال را مرحوم ملاعبدالله تونی مطرح کرده است. به گفته ایشان، «إِذَا» عموم را افاده نمی‌کند و همین حکم درباره «إِنْ» نیز صادق است. در نظر منطقیان، این دو لفظ از سنخ مهملات‌اند و در قوه به معنای جزئی محسوب می‌شوند. [6] بنابراین، دلالت آیه بر وجوب حضور در همه اوقات نداء تمام نیست و می‌توان آن را به برخی موارد مانند ندای امام (ع) یا نائبان ایشان اختصاص داد.

### پاسخ صاحب حدائق

مرحوم صاحب حدائق در برابر این اشکال تصریح می‌کند که ما در مقام فهم آیه، به معنای صرفاً لغوی «إِذَا» کاری نداریم. هرچند «إِذَا» در لغت دلالت بر عموم ندارد و از مهملات به شمار می‌رود، اما در استعمال عرفی، مفهوم عموم را می‌رساند. ایشان برای تأیید سخن خود یادآور می‌شود که در آیات دیگری مانند «إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ» [7] هیچ‌کس در دلالت «إِذَا» بر تکرار و عموم تردید نمی‌کند، در حالی که لفظ «إِذَا» در آنجا نیز به کار رفته است.

به بیان ایشان، عرف از این خطاب، دلالت بر عموم و استمرار می‌فهمد. افزون بر این، قرائن خارجی نیز همین معنا را تأیید می‌کند؛ زیرا رسول اکرم (ص) هر جمعه نماز جمعه را اقامه می‌کردند و پس از ایشان خلفای راشدین و سپس امیرالمؤمنین (ع) نیز بر همین سنت استمرار داشتند. بنابراین، اگر «إِذَا» صرفاً به معنای مهمل لغوی گرفته شود، آیه از فایده تهی خواهد شد و این امر با شأن آیه و با حکمت الهی سازگار نیست. چگونه ممکن است خداوند در سوره‌ای که نام آن «جمعه» است بفرماید: «إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» و مقصود این باشد که مؤمنان تنها یک بار نماز جمعه را به‌جا آورند؟ چنین برداشتی با غرض و شدت لحن آیه هماهنگ نیست.

صاحب حدائق سپس بحث را بر اساس برهان سیر و تقسیم سامان می‌دهد و بیان می‌کند که وجوب سعی در نماز جمعه سه صورت بیشتر ندارد:

1. وجوب سعی تنها یک بار در طول عمر، همانند حج.
2. وجوب سعی به نحو استمرار و عموم در هر جمعه تا روز قیامت.
3. وجوب سعی مشروط به حضور امام معصوم یا نایب او.

این سه احتمال خارج از مفاد «فَاسْعُوا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ» نیست. البته اگر «فاسعوا» حمل بر استحباب شود، همان گونه که مرحوم خویی و برخی دیگر گفته اند، و «ذکر الله» به معنای خطبه دانسته شود نه نماز، اساساً وجوب منتفی خواهد بود. اما اگر «ذکر الله» را - به قرینه «فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ» - به معنای نماز بدانیم، «فاسعوا» امر به وجوب سعی در اقامه نماز جمعه خواهد بود. در این فرض، سه احتمال یاد شده مطرح می شود که صاحب حدائق نسبت به هر یک از این احتمالات اینگونه قضاوت می کند که احتمال اول، یعنی وجوب یک بار در طول عمر، با اجماع و ضرورت مخالف است و احتمال سوم، یعنی وجوب مشروط به حضور امام یا نایب او، با ظاهر آیه سازگار نیست، بنابراین احتمال دوم، یعنی وجوب به نحو عموم تا روز قیامت، موافق ظاهر آیه است و مورد تأیید قرار می گیرد.

از این رو، صاحب حدائق نتیجه می گیرد که هرکس با نگاه دقیق و تحقیقی در آیه تأمل کند، درخواهد یافت که این اشکال بر دلالت «إِذَا» بر عموم، سست و بی پایه است و ضعف آن همانند سستی خانه عنکبوت است. [8]

### دیدگاه برگزیده

آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعُوا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ» خطاب به عموم مؤمنان است و همه را شامل می شود. برخلاف دیدگاهی که کافران را مکلف به فروع نمی داند، این خطاب قانونی، همگان را دربرمی گیرد. همان گونه که در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا» [9] آمده است، عرف از چنین بیانی شمول و عموم را می فهمد. هرچند این عموم لزوماً بر وجوب حمل نشود، اما دست کم بر استحباب دلالت خواهد داشت.

بر این اساس، هرگاه روز جمعه فرا رسد و وقت نماز جمعه داخل شود، وجوب این نماز بر هر مؤمنی تحقق می یابد. مشابه همین معنا در آیه «وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ» [10] نیز دیده می شود؛ زیرا هنگام تلاوت قرآن، وجوب استماع برقرار است. بنابراین، ظاهر آیه نشان می دهد که «إِذَا» نمی تواند به معنای مهمل یا جزئی تلقی گردد. اگر چنین معنایی پذیرفته شود، مفاد ظاهری آیه و مقصود شارع از بین خواهد رفت. از این رو، حتی با فرض حضور امام معصوم (ع)، دلالت آیه بر اصل وجوب نماز جمعه روشن است.

برای توضیح بیشتر، می توان به آیه «أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ» [11] توجه کرد. فقهای متقدم و متأخر، از جمله شیخ انصاری در مکاسب، این آیه را دلیل بر مشروعیت اصل بیع دانسته اند، حتی در صورتی که بیع به صورت معاطاتی باشد. با این حال، آیه مذکور مطلق تمام حالات را دربر نمی گیرد؛ بلکه صرفاً اصل مشروعیت بیع را بیان می کند و جزئیات آن مانند صدور از صبی یا بالغ و تحقق به صیغه یا معاطات را مشخص نمی سازد.

در مسئله نماز جمعه نیز وضعیتی مشابه وجود دارد. آیه شریفه، اصل تشریع و وجوب نماز جمعه را ثابت می کند، اما این که این وجوب مشروط به حضور امام معصوم (ع) است یا در زمان غیبت نیز جریان دارد، در این آیه بیان نشده و مقام آیه متکفل این جهت نیست.

بنابراین، آیه صرفاً بر اصل وجوب دلالت دارد، ولی تفصیل مربوط به شرایط امامت و زمان حضور یا غیبت از آن استفاده نمی شود. شایان ذکر است که برخی اشکالات دیگر نیز در این زمینه مطرح است که بررسی آن ها در مباحث آینده انجام خواهد شد.

و صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

### پاورقی

[1] «انَّ الْآيَاتِ لَيَسْتَبْصِرُ بِتَشْرِيعِ الْجُمُعَةِ وَإِثْبَاتِ وَجُوبِهَا بَلْ نَزَلَتْ بَعْدَ مَا كَانَتْ مِنْ قَبْلِ مَشْرَعَةِ وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ

عليه وآله يقيمها، فإنها نزلت بالمدينة وقد عقدها وأقامها صلى الله عليه وآله في طريق مهاجرته إليها على ما في التواريخ فالآيات الشريفة إنما وردت في مقام التوبيخ والتعير لمن ترك حضور الجمعة المنعقدة وقدم التجارة أو اللهو عليها بعد ما كان أصل تشريعها بشرائطها مفروغا عنه. « (البدر الزاهر في صلاة الجمعة والمسافر، ص 15).

[2] « ثم إن إطلاق الآية يقتضي ثبوت الوجوب مع حضور الإمام وغيبته، وهو كذلك عند أكثر الأصحاب » (مسالك الأفهام إلى آيات الأحكام، ج 1، ص 261).

[3] « عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدٌ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: قُلْتُ لَهُ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ قَالَ أَعْمَلُوا وَ عَجَلُوا فَإِنَّهُ يَوْمٌ مُضَيَّقٌ عَلَى الْمُسْلِمِينَ فِيهِ وَ ثَوَابُ أَعْمَالِ الْمُسْلِمِينَ فِيهِ عَلَى قَدَرٍ مَا ضَيَّقَ عَلَيْهِمْ وَ الْحَسَنَةُ وَ السَّيِّئَةُ تُضَاعَفُ فِيهِ قَالَ وَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع وَ اللَّهُ لَقَدْ بَلَّغَنِي أَنَّ أَصْحَابَ النَّبِيِّ ص كَانُوا يَتَجَهَّزُونَ لِلْجُمُعَةِ يَوْمَ الْخَمِيسِ لِأَنَّهُ يَوْمٌ مُضَيَّقٌ عَلَى الْمُسْلِمِينَ. » (الكافي (اسلاميه)، ج 3، ص 415، حديث 10).

[4] الحقائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة، ج 9، ص 399.

[5] استاد معظم: برخلاف برخی برداشت‌های رایج، کتاب حدائق مشحون از دقایق اجتهادی و مباحث دقیق فقهی است. از این رو، در تقویت فهم فقهی توجه به منابعی چون جواهر و حدائق اهمیت فراوان دارد، هر چند این امر به معنای نفی بهره‌گیری از آثار فقهی معاصر نیست.

[6] « و قد صرح المنطقيون بأن «إذا» و «أن» للإهمال، و المهملة في قوة الجزئية، فيصير الحاصل وجوب الحضور في بعض أوقات النداء، فنحتمل اختصاصه بنداء الإمام أو نائبه. » (دوازه رساله فقهی درباره نماز جمعه از روزگار صفوی، ص 412).

[7] قرآن کریم، سوره مائده، آیه 6.

[8] « و قد أورد على هذا الدليل وجوه من الإبرادات لا بأس بذكرها و ذكر ما أجيب به عنها: الأول - ان كلمة «إذا» غير موضوعة للعموم لغة فلا يلزم وجوب السعي كلما تحقق النداء بل يتحقق بالمرة و هي عند تحقق الشرط. و الجواب عن ذلك ان «إذا» و ان لم تكن موضوعة للعموم لغة إلا انه يستفاد منها العموم في أمثال هذه المواضع اما بحسب الوضع العرفي أو بحسب القرائن الدالة عليه كما قالوه في آية الوضوء و أمثالها، على ان حملها على الإهمال يجعل الكلام خاليا من الفائدة المعتمد بها و هو مما يجب تنزيه كلام الحكيم عنه. و أيضا فإنه لا يخلو اما أن يكون المراد إيجاب السعي و لو في العمر مرة واحدة أو إيجابه على سبيل العموم أو إيجابه بشرط حضور الإمام أو نائبه، لا سبيل إلى الأول لمخالفته لإجماع المسلمين إذ الظاهر انهم متفقون على انه ليس المراد من الآية إيجاب السعي و لو في الجملة بحيث يتحقق بالمرة بل الظاهر المعلوم اطلاقهم على ان المراد التكرار، و هذا بحمد الله سبحانه ظاهر لا يقبل الإنكار. و اما الثالث فإنه لا سبيل إليه أيضا لكونه خلاف الظاهر من اللفظ إذ لا دلالة للفظ عليه و لا قرينة تؤنس به و تشير اليه، و العدول عن الظاهر يحتاج الى دليل قاهر. على انك قد عرفت و ستعرف ان شاء الله تعالى انه لا وجود لهذا الشرط الذي ذكروه و لا معنى لهذا الاعتبار الذي اعتبروه. و حينئذ فيتعين الثاني و هو المطلوب.

و زاد بعض الأفاضل في الجواب قال: و ايضا الخطاب عام بالنسبة الى جميع المؤمنين سواء تحقق الشرط المدعى بالنسبة إليه أم لا فعلى تقدير تجويز ان لم يكن المراد بالآية التكرار يلزم إيجاب السعي على من لم يتحقق الشرط بالنسبة اليه و لو مرة و يلزم منه الدوام و التكرار لعدم القائل بالفصل. انتهى.

و بالجملة فإنه لا يخفى على المتأمل بعين التحقيق و المنصف الناظر بالفكر الصائب الدقيق ان هذه المناقشة من المناقشات الواهية المضاهية لبیت العنكبوت و انه لا ضعف البيوت، إذ لا يخفى على من تأمل سياق السورة المذكورة و فعله صلى الله عليه وآله و آله مدة حياته و الخلفاء من بعده حقا أو جورا ان المراد من الآية انما هو التكرار و الاستمرار مدى الأزمان و الأعصار لا ما توهمه هذا المورد من صدق ذلك و لو مرة واحدة. » (الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة، ج 9، ص 399-400).

[9] قرآن کریم، سوره احزاب، آیه 41.

[10] قرآن کریم، سوره اعراف، آیه 204.

[11] قرآن کریم، سوره بقره، آیه 275.

منابع

علاوه بر قرآن.

بحراني، يوسف بن احمد، الحقائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة، جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم، 1363.  
بروجردى، حسين، البدر الزاهر في صلاة الجمعة و المسافر، قم - ايران، مكتب آية الله العظمى المنتظري، 1416.  
جعفریان، رسول، دوازده رساله فقهي درباره نماز جمعه از روزگار صفوی، ، انصاريان، 1381 ه.ش.  
فاضل جواد، جواد بن سعيد، مسالك الأفهام إلى آيات الأحكام، با محمداقر بهبودی، محمداقر شريفزاده، و محمدي كشفى، مرتضوى، 1365 ه.ش.  
كلينى، محمد بن يعقوب، الكافي (اسلاميه)، تهران، دار الكتب الإسلامية، 1363 ه.ش.